

## نقد نظریه برنامه درسی بازسازی اجتماعی

علیرضا صادقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۷

### چکیده

هدف این مقاله نقد نظریه برنامه درسی بازسازی اجتماعی است. در این نظریه کلیت برنامه درسی در خدمت تغییرات بنیادین جامعه بوده و معلم و دانش‌آموز به‌عنوان کنشگران اصلی برنامه درسی، نقش اساسی در ایجاد اصلاحات اجتماعی جامعه ایفا می‌کنند. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و برای دستیابی به داده‌های معتبر از روش «بررسی مستندات» بهره گرفته شده است. در مجموع چهار سؤال اصلی برای پژوهش حاضر طراحی و بر اساس آن‌ها فرایند پژوهش شکل گرفته است. فرایند کار نیز بدین صورت بوده است که نخست منشأ و علت پیدایش نظریه بازسازی اجتماعی تبیین، سپس گزاره‌های اصلی آن استخراج و در ادامه ضمن معرفی پیشگامان این نظریه، دلالت‌های آن برای برنامه درسی تبیین گردید. بررسی اسناد بالادستی کشور از یک سو و ارائه نقد و نظر اندیشمندان غربی و بررسی محاسن و معایب این دیدگاه از منظر ایشان بخش بعدی مقاله را تشکیل داده است. در پایان سعی شده با ارائه بحث نسبتاً جامعی، امکان طراحی برنامه درسی با این رویکرد در نظام آموزش رسمی ایران مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان داد عملیاتی کردن آن دسته از گزاره‌های اصلاح‌گرایانه دیدگاه بازسازی اجتماعی که منطبق با اسناد بالادستی کشور نیز هست،

می‌تواند جنبش نوینی در طراحی برنامه درسی ایران به وجود آورد؛ اما باید از طرح نظریات افراط گونه این نظریه به‌ویژه در خصوص تمرکززدایی، محوریت مدرسه و القاء اغراق گونه نقش معلم و دانش‌آموز در ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه پرهیز نمود.

واژگان کلیدی: نقد، نظریه بازسازی اجتماعی، برنامه درسی

### مقدمه

حرکت در جهت ایجاد اصلاح و تغییر جامعه موضوع جدیدی نیست؛ زیرا این امر همواره مورد توجه مصلحان و اندیشمندان در همه اعصار و دوره‌ها بوده است. هر یک از مکاتب و نظریه‌های تربیتی به‌نوبه خود کوشیده‌اند تغییراتی در سطوح فکری جامعه ایجاد نمایند. در واقع فلسفه پیدایش همه نظریه‌ها و مکاتب، ایجاد طرحی نو در افکار و رویه‌ها بوده است؛ اما نظریه‌ای که به طور مشخص و روشن از تغییرات، آن‌هم از تغییرات بنیادین در جامعه سخن به میان آورد، نظریه «بازسازی اجتماعی»<sup>۱</sup> است. این نظریه اساساً با شعار تغییرات اساسی در جامعه پا به عرصه وجود گذاشت. در واقع وجه تمایز این نظریه با نظریه‌های دیگر توجه عمیق به موضوع ایجاد «تغییرات» در جامعه است. هرچند نظریه‌های دیگری همچون انتقادیون، پست‌مدرن‌ها، نو مفهوم‌گرایان، پیشرفت‌گرایان و ... در گزاره‌های اصلی خود، «تغییر» را همواره به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مورد توجه قرار داده‌اند، اما اساس و شاکله نظریه بازسازی اجتماعی وجود «تغییر» به عنوان شاه بیت اصلی این نظریه می‌باشد که معتقد به تغییراتی که است باید در بطن، متن و نیز در اصول بنیادین جامعه رخ دهد (Zuga, 1992).

امروزه، نظریه بازسازی اجتماعی به‌عنوان یک دیدگاه سیاسی - تربیتی تأثیرگذار غربی از این جهت که انتقادات فراوانی به شرایط ناعادلانه، فرصت‌های نابرابر آموزشی، گروه‌های محروم، اقلیت‌های نژادی، فرهنگی، دینی، مذهبی، زبانی و به حاشیه رانده‌شده، وارد کرده و

---

1- Social reconstructivism

پیشنهادهایی هم برای اصلاح این چالش‌ها و مسائل ارائه می‌کند، مقبولیت زیادی در میان اصحاب تعلیم و تربیت پیدا کرده است. ژيرو (۲۰۰۸) معتقد است نظریه بازسازی گرای اجتماعی، دارای ویژگی‌هایی است که این نظریه را از نظریه‌های دیگر متمایز می‌کند؛ الف) توجه به تغییر و اصلاح جامعه، ب) متوجه ساختن افراد به سرعت روزافزون و غیرقابل پیش‌بینی تغییر و تحول در جهان، ج) اعتقاد به عدم تبعیض نژادی، ح) نقد میراث فرهنگی، خ) ارتقا نقش معلم از یک آموزشگر به یک کنشگر اجتماعی، ر) توجه به ضرورت آینده‌نگری و تأکید بر توانمند ساختن دانش‌آموزان برای پیش‌بینی آینده، ز) تأکید بر تربیت اجتماعی دانش‌آموزان دارد، به‌ویژه این که در جهان امروز پیوندهای وسیع و وثیقی میان افراد، گروه‌ها و ملت‌های مختلف جهان به وجود آمده است. س) توجه جدی به موضوع تنوع فرهنگی و نیز توجه به فرودستان و رنگین‌پوستان ش) ترویج مدارس پژوهش مدار مسئله‌مدار که در سایه آن دانش‌آموزان، جرئت و انگیزه لازم در جهت افشای افکار و ارزش‌های خود را پیدا کرده، آنها را به چالش کشیده و در پرتو بینش به‌دست‌آمده، افکار و اندیشه‌های خود را بازسازی نمایند.

### گزاره‌های اساسی نظریه بازسازی اجتماعی

هر یک از دیدگاه‌های فلسفی دارای مجموعه‌ای از گزاره‌ها هستند که آن را از دیدگاه‌های دیگر متمایز می‌سازد. در این بخش از مقاله سعی شده است مهم‌ترین گزاره‌های اساسی دیدگاه بازسازی اجتماعی مورد بررسی و توجه قرار گیرد:

#### الف) انتقاد و تغییر

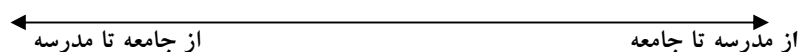
معمولاً «نظریه‌های اجتماعی»<sup>۱</sup> بر اساس جهت و شدت کنش افراد در جامعه دسته‌بندی و مفهوم بندی می‌شوند. در یک نگاه کلی می‌توان نظریه‌های اجتماعی را به دو طیف وسیع

«سازگار گرایی»<sup>۱</sup> و «بازسازی گرایی» تقسیم‌بندی نمود. سازگارگرایان در مقام توجیه و پذیرش وضع موجود و بازسازی گرایان اجتماعی در مقام اصلاح و انتقاد از وضع موجود برمی‌آیند. در خصوص مدرسه نیز نظریه «سازگاری اجتماعی» بر تطابق نقش‌های اجتماعی در مدرسه تأکید دارد و توصیه می‌کند دانش‌آموزان برای زندگی موفقیت‌آمیز در یک جامعه از حیث پذیرفتن نقش‌های اجتماعی بایستی دارای مهارت باشند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۴)؛ اما بازسازی گرایی، وضع موجود را نمی‌پذیرد و مخالف وضع موجود هست، برنامه‌هایی را برای مدرسه تدارک می‌بیند تا تغییراتی در جامعه ایجاد کند. برای این کار برای معلم و دانش‌آموز نقش ویژه‌ای قائل شده و آن‌ها را «کارگزار تغییر» قلمداد می‌کند (میلر، ۱۳۷۹). اصطلاح «از مدرسه تا جامعه» و از «جامعه تا مدرسه» منبث از همین تفاوت دیدگاه هست. در دیدگاه اول مدرسه موجود، منشأ و عامل تغییر در جامعه تلقی شده است نه مولود و نتیجه تغییر جامعه. برای تحقق این هدف بایستی معلم و دانش‌آموز دست به بازسازی عمیق جامعه بزنند؛ اما در دیدگاه دوم و به تعبیر پیشروان نظریه سازگاری اجتماعی، مدرسه موظف به تطابق نقش‌های جامعه و به بیان بهتر، در جهت جامعه‌پذیری افراد است (Zuga, 1992). نمودار شماره یک جهت و شدت تغییر را نشان می‌دهد.

سازگارگرایان (ثبات)

بازسازی گرایان (تغییر)

#### نظریه اجتماعی



نمودار شماره (یک) جهت و شدت تغییر در نظریه‌های اجتماعی

همان‌طوری که در نمودار شماره (یک) نشان داده شده است، هرچه قدر جهت تغییر به‌سوی بازسازی گرایبی باشد، شدت تغییر بیشتر و هرچه قدر جهت تغییر به‌سوی سازگار گرایبی باشد، شدت تغییر کمتر خواهد شد.

بازسازی گرایبی از یک‌سو یک فلسفه انتقادی و از سوی دیگر یک فلسفه اصلاحی است. دیدگاهی که معتقد است کنشگران آموزشی باید بیش‌ازپیش مسئول تغییرات جامعه باشند. شاید به‌جرت بتوان ادعا نمود نخستین مفاهیمی که با دیدگاه بازسازی گرایبی عجین شده است؛ «انتقاد از وضع موجود» در جهت «ایجاد تغییرات اساسی» در جامعه است. این دیدگاه، وضع موجود را نمی‌پذیرد و در این راستا برنامه‌هایی را تدارک می‌بیند تا تغییراتی عمیق در جامعه ایجاد کند. کاونتر (۱۸۸۹-۱۹۷۴) از مریدان بازسازی گرایبی، وظیفه آموزش و پرورش به‌ویژه معلمان و دانش‌آموزان را ایجاد تغییرات بنیادین و نظم نوین اجتماعی تعریف می‌کند.

### ب) مسئله مداری

یکی دیگر از مفروضه‌های اساسی بازسازی اجتماعی، مسئله‌مداری است. مریانی که از نظریه بازسازی اجتماعی پیروی می‌کنند، به مشکلات اجتماعی به دید مسئله می‌نگرند (گوتک، ۱۳۸۴). تحقیق در مورد مسائل و کسب اطلاعات برای آن‌ها بسیار مهم است. در واقع پژوهش و تحقیق در این دیدگاه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مدارس به‌عنوان مراکزی که معلمان و شاگردان، در آن‌ها مسائل حاد جامعه را نه صرفاً برای انجام فعالیت‌های علمی بلکه جهت مشکل‌گشایی عمل محورانه استفاده می‌کنند، مورد توجه است.

### ج) توجه به توسعه و آینده‌گرایی

همواره جهت تغییر رو به آینده است؛ اما در دیدگاه بازسازی اجتماعی این موضوع برجسته‌تر است. این دیدگاه به آینده بیش از زمان حال و گذشته توجه دارد. غایت توسعه و

آینده‌نگری در این دیدگاه، ایجاد نظم نوین جهانی است. در این نظم نوین، توجه به افراد سرکوب‌شده سیاسی و ملل فقربازده برجسته است. همچنین ایجاد تغییرات اساسی به دست مردم، در سطح محلی تأکید می‌شود. نکته دیگر در این نظم نوین تجهیز انسان‌ها به سواد اجتماعی غنی و مهارت استفاده از وسایل روزآمد فناورانه است (Ravitch, 2011).

#### د) بحران فرهنگی و بازسازی فرهنگی

دیدگاه بازسازی‌گرایی معتقد است که جامعه جدید به علت بی‌میلی‌اش به بازسازی بنیادی فرهنگی، بحران عمیقی را تجربه می‌کند (گوتک، ۱۳۸۴: ۴۵۴). علائم آن نیز فراوانند؛ بحث تبعیض، فقر، تنش‌های بین‌المللی، تروریسم و ... بدین جهت از دانش‌آموزان انتظار می‌رود مسائل مهمی را که بشریت با آن‌ها مواجه است را کشف و راه‌حل‌های فرهنگی برای حل آن‌ها ارائه دهد. در این مسیر باید شیوه‌های تفکر سنتی و کلیشه‌ای که موجب نابردباری، تبعیض و خرافات است را دور ریخته و به بررسی نقادانه میراث فرهنگی پرداخت. تعهد نسبت به کوشش برای انجام اصلاحات اجتماعی عامدانه، نگرش جدید نسبت به امر برنامه‌ریزی به نحوی که بتوان مسیر تجدیدنظر فرهنگی را هموار نمود و آزمودن طرح‌های فرهنگی گذشته از طریق اجرای برنامه‌های اصلاحات اجتماعی، از جمله مواردی است که این دیدگاه بدان توجه دارد. در خصوص معلمان نیز بر اساس نگاه بازسازی‌گرایانه خود می‌اندیشند (قادری، ۱۳۸۹)، مربیان آموزشی نه تنها انتقال‌دهندگان فرهنگ، بلکه خود رهبران فرهنگی محسوب می‌شوند. نقش معلم آماده ساختن انسان‌ها برای گذر از بحران‌های ناگوار اجتماعی به یک آینده آرمانی است.

در خصوص بازسازی فرهنگی، دیدگاه‌های بازسازی‌گرایان اجتماعی را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد: الف) همه فلسفه‌ها، ایدئولوژی‌ها و نظریه‌ها از جمله نظریه‌های تربیتی بر فرهنگ متکی بوده و از الگوهای فرهنگی که مشروط و مقید به زندگی در زمان و مکانی

ویژه هستند، سرچشمه می‌گیرند. ب) فرهنگ فرایندی پویا و پیوسته در حال توسعه و تغییر است. ج) انسان‌ها قادرند فرهنگ را به گونه‌ای تغییر دهند که رشد و توسعه انسانی را اعتلا بخشد. د) معلمان کارگزاران فرهنگی هستند.

### ه) توجه به فناوری

کاونتز (۱۸۸۹-۱۹۷۴) علم را دقیق‌ترین ابزار مشکل‌گشای انسانی در نظر می‌گیرد که با استفاده از آن می‌توان بر بسیاری از مشکلات انسانی فائق آمد. وی معتقد است فناوری قدرت شگرفی در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند در خدمت تغییرات قرار گیرد. فناوری ضمن این‌که تسهیل‌گر تغییرات است، جریان ساز ایجاد تغییر نیز هست.

### ی) جهان‌وطنی

یک مربی بازسازی گرا تمایل دارد تا نسبت به مسائل جهانی و تحلیل آن‌ها به‌عنوان بخشی از نظم جامعه بزرگ‌تر حساس باشد. اصطلاحاتی همچون دهکده جهانی، جهان کوچک‌شده و اثر گلخانه‌ای دغدغه‌های بازسازی‌گرایان اجتماعی را تشکیل می‌دهد. آن‌ها معتقدند دانش‌آموزان باید از وقایع جهانی برای فهم «نظام‌های سرتاسر جهانی» آگاهی داشته و برنامه‌های درسی نیز باید بر درک اکوسیستم زمین و مسائل جهانی متمرکز باشد (ارنشتاین و هانکینز، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

### و) توجه به ارزش‌های چند فرهنگی و فرصت‌های آموزشی برابر

بازسازی‌گرایان نیز به‌مانند سایر نظریه‌پردازان پسامدرن در خصوص ارزش‌های چند فرهنگی بر شمول ارزش‌ها، برابری و داشتن آغوش باز برای پذیرش تفاوت‌ها تأکید می‌ورزند. آن‌ها بر گروه‌ها و شهروندانی توجه ویژه دارند که در گذشته و در فرایندهای

سیاسی نادیده گرفته شده‌اند و بر بازسازی ساختارها و نظام‌های اجتماعی برای ایفای حقوق این شهروندان تمرکز می‌کنند. عدالت اجتماعی واژه‌ای است که در متون بازسازی گرایان به‌ویژه در تعلیم و تربیت به‌طور مکرر به چشم می‌خورد. در نوشته‌های بازسازی گرایان اغلب این ادعا وجود دارد که سازمان‌ها و مؤسسه‌ها در توجه به خواسته‌ها و نگرانی‌های همه مردم، به‌ویژه افراد متعلق به طبقه ضعیف و کارگران در دهه‌های اخیر از خود ضعف نشان داده‌اند. در اصول بازسازی گرایی توجه به ذخایر فرهنگ‌ها و استفاده از آن‌ها برای ایجاد یک جامعه امن توأم با صلح یک اصل است. به تفاوت فرهنگ‌ها، زبان‌ها، نژادها ارزش قائل است و آن‌ها را موجد و زمینه‌ساز یک جامعه مترقی می‌داند. در خصوص مسائل آموزشی به دنبال برقراری فرصت‌های برابر آموزشی فارغ از دین، مذهب، نژاد، طبقه اجتماعی، رنگ و ... هست.

### روش پژوهش

با توجه به این که هدف این مقاله تحلیل و نقد و بررسی تئوریک نظریه برنامه درسی بازسازی اجتماعی است، لذا از روش کیفی توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. این روش بر دستیابی به اطلاعات دقیق و معتبر از یک سو و نیز دسته‌بندی و مفهوم‌بندی آن‌ها از سوی دیگر تأکید می‌کند. در واقع این روش نوعی فرابرسی بر اساس تلفیق داده‌های معتبر به‌جای استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها و آماره‌های کمی است (شورت به نقل از مهرمحمدی و سلسبیلی، ۱۳۸۷). روش کار نیز به این صورت بوده است که ابتدا گزاره‌های اصلی نظریه بازسازی اجتماعی از منابع مختلف و معتبر استخراج و سپس همسان‌سازی شد. به این معنا که مواردی به عنوان گزاره‌های اصلی این نظریه در این پژوهش آورده شد که در اغلب منابع بدان اشاره شده بود و اتفاق نظر بیشتری وجود داشت. برای این کار از استحکام بیشتری برخوردار باشد، ابتدا این نظریه از منظر متخصصان غربی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و سپس از منظر منابع داخلی مورد توجه قرار گرفت. در خصوص منابع داخلی، با توجه به وجود قرائت‌های مختلف



از اصول تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و نیز وجود برخی تفاوت‌های مبنایی در میان آن‌ها و برای رفع سوگیری‌های احتمالی، «اسناد بالادستی کشور» ملاک عمل قرار گرفت. بدین منظور دو سند «فلسفه تربیت» و «برنامه درسی ملی» ایران انتخاب گردید. علت انتخاب سند «فلسفه تربیت» به جهت وجود گزاره‌های فلسفی و «سند برنامه درسی ملی» به جهت در اختیار گرفتن معیاری برای تحلیل دلالت‌های برنامه درسی دیدگاه بازسازی اجتماعی بود. با توجه به این که هر دو سند در مجاری قانونی کشور مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است، برخورداری این اسناد از ویژگی‌های بومی مفروض مؤلف بوده است. پس از این مرحله با طرح پرسش‌های پژوهشی سعی گردید ضمن شناسایی ابعاد موضوع، امکان عملیاتی سازی این نظریه برای نظام آموزشی ایران مورد کندوکاو قرار گیرد.

### سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر دارای چهار سؤال به شرح زیر است:

- ۱) منشأ پیدایش نظریه بازسازی اجتماعی چیست و صاحب‌نظران اصلی آن کدام‌اند؟
- ۲) برنامه درسی بازسازی اجتماعی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳) صاحب‌نظران غربی در خصوص این نظریه چه نقد و نظری دارند؟
- ۴) تا چه اندازه امکان طراحی برنامه درسی بر اساس ویژگی‌های اصلی برنامه درسی بازسازی اجتماعی برای نظام آموزشی ایران میسر است؟

### نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ادامه، به سؤالات پژوهش پرداخته می‌شود:

## سؤال اول پژوهش:

منشأ پیدایش نظریه بازسازی اجتماعی چیست و صاحب‌نظران اصلی آن کدام‌اند؟

برخی معتقدند اولین جرقه‌های بازسازی گرایي را افلاطون، در کتاب جمهوریت روشن کرده است. برخی دیگر، اورلیوس<sup>۱</sup> (۱۸۰-۱۲۱ پیش از میلاد) را با کتاب «شهروند جهانی» مؤسس بازسازی گرایي می‌دانند. توماس مور<sup>۲</sup> متفکر برجسته دیگری است که با انتشار کتاب مشهور «اتوپیا» (جامعه آرمانی) تفکر بازسازی گرایانه را مداومت بخشید. هاکسلی<sup>۳</sup>، نویسنده انگلیسی، با اینکه او را بیشتر به خاطر رمان‌هایش می‌شناسند، اما نگارش معروف‌ترین رمان وی با عنوان «دنیای قشنگ نو»<sup>۴</sup> از او یک متفکر بازسازی گرا ساخته است. این کتاب در سال ۱۹۳۲ منتشر و در جستجوی یک آرمان‌شهری است که افراد را به بازسازی جامعه موجود دعوت می‌کند.

جورج اورول<sup>۵</sup>، با سبک نوشتاری «آرمان‌شهری»<sup>۶</sup> از جمله افراد پیشرو در زمینه فلسفه بازسازی گرایي است. وی آثار متعددی دارد اما کتاب مشهور «قلعه حیوانات»<sup>۷</sup> و نیز آخرین کتاب وی «هوای تازه» کتاب‌هایی هستند که نظام‌های حکومتی توتالیتار (تمامیت‌خواه) را به صورت صریح به نقد می‌کشد. در این آثار نشانه‌هایی از بازسازی گرایي و نقد وضع موجود جوامع کاملاً مشهود است. یکی دیگر از پیش‌روان دیدگاه بازسازی اجتماعی برتراند آرتور ویلیام راسل<sup>۸</sup>، فیلسوف، ریاضی‌دان، مورخ، جامعه‌شناس و فعال صلح‌طلب بریتانیایی قرن بیستم

1 - Aurelius, Marcus

2 - Thomas More

3 - Huxley Aldous

4 - Brave New World

5 - Orwell, George

6 - Urban Vision

7- Castle Pets

8 - Russell, Bertrand

میلا دی است. وی یکی از فعالان ضد جنگ و مخالف امپریالیسم بود که به دلیل عقاید اصلاح طلبانه اش از دانشگاه اخراج و به زندان افتاد. او منتقد تمامیت خواهی و از حامیان خلع سلاح هسته ای بود که در سال ۱۹۵۰ به پاس «آثار متعدد در حمایت از نوع دوستی و آزادی اندیشه» برنده جایزه نوبل گردید.

بی اف اسکینر<sup>۱</sup>، مخترع، پشتیبان اصلاحات اجتماعی و استاد روان شناسی دانشگاه هاروارد بود. تفکر بازسازی گرایی او در کتاب «والدن دو» که تصویری از یک شهر افسانه ای با یک جامعه تخیلی رفتار گرایانه است، منعکس گردیده است. متفکر دیگر، پائولو فریره<sup>۲</sup> نظریه پرداز تعلیم و تربیت انتقادی و آموزگار برزیلی بود که با انتشار آثار تأثیرگذار از جمله کتاب های «آموزش ستم دیدگان» و «آموزش و تمرین آزادی» به عنوان یکی از نظریه پردازان مکتب بازسازی اجتماعی محسوب می شود. فعالیت ها و اندیشه ها و از جمله اعتراض ایشان به تبعیض های طبقاتی، نژادی و جنسیتی باعث شد وی به اتهام براندازی بازداشت و در نهایت مجبور به ترک کشور شود. وی در دهه هفتاد میلادی کتاب «آموزش در جریان پیشرفت» را نگارش نمود که روح اصلاح طلبی و جان مایه بازسازی گرایانه دارد.

اما شاید توجه جدی به موضوع بازسازی گرایی اجتماعی به شکل نوین را می توان برای اولین بار در آثار و جهت گیری های کونتر<sup>۳</sup> جستجو نمود. وی استاد دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا و از رهبران حزب لیبرال آمریکا و هواخواه آزادی های مدنی بود (گوتک، ۱۳۸۴). ایشان در گردهمایی سالیانه مریان پیشرفت گرا در سال ۱۹۳۲ از مریان پیشرفت گرا خواست تا مسائل اقتصادی و اجتماعی عصر خود را در نظر گرفته و از مدارس به منظور کمک به اصلاح جامعه استفاده کنند (ارنشتاین و هانکینز، ۱۳۸۴: ۱۶۳). به نظر وی دیدگاه های

---

1 - Skinner, B, F

2 - Ferrier, Paulo

3 - Counts, George

عمل‌گرایی و پیشرفت‌گرایی علی‌رغم تمرکز خود بر روی تغییر، ناتوان از حل مشکلات جامعه هستند. وی با انتشار کتابی با عنوان «آیا مدارس شهامت ایجاد نظام اجتماعی نوین را دارند؟»<sup>۱</sup>، معتقد بود مدرسه نه فقط کانونی برای اندیشیدن درباره تمدن، بلکه باید مکانی برای ساختن تمدن باشد (شعاری نژاد، ۱۳۸۶).

با وجود جهت‌گیری‌ها و آثار تأثیرگذار کونتز، اغلب صاحب‌نظران تئودور براملد<sup>۲</sup> را مبدع و پرنفوذترین اندیشمند این رویکرد فلسفی به شمار می‌آورند. «به‌سوی فلسفه بازسازی‌شده آموزش و پرورش»، «آموزش و پرورش همچون یک نیرو»، «الگوهای فلسفه آموزش و پرورش» از جمله کتاب‌هایی هستند که براملد از طریق آن‌ها توانست این رویکرد را به نحو تأثیرگذاری تبیین نماید. وی بازسازی‌گرایی را فلسفه ارزش‌ها و غایت‌ها معرفی کرده و تأکید می‌کند که آموزش و پرورش باید بیش‌ازپیش مطالعه جامعه موجود را به‌عنوان بخش مهمی از آموزش عمومی در نظر بگیرد. از سوی دیگر تأکید می‌کند دانشجویان رشته علوم تربیتی باید به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، اهمیت ویژه قائل شوند.

البته در عصر حاضر افراد دیگری نیز این رویکرد را تداوم بخشیدند که مشهورترین آن‌ها تافلر<sup>۳</sup> است. ایشان نیز با انتشار کتاب‌هایی همچون؛ «موج سوم»، «شوک آینده» و به‌ویژه کتاب «یادگیری برای فردا» (اثری که مستقیماً به بازسازی‌گرایی در آموزش و پرورش می‌پردازد)، توانسته است این اندیشه را تا حدود زیادی تداوم بخشد.

همان‌طوری که از بررسی سیر تحول اندیشه بازسازی اجتماعی مشخص هست این اندیشه از افلاطون تاکنون همواره مورد توجه اندیشه‌ورزان قرار گرفته است و این بدان معناست که بازسازی‌گرایی موضوعی نیست که به یک دوره خاص محدود گردد، بلکه در دوران مختلف

---

1- Dare the school build a new social order?

2- Bra meld, Theodore

3 - Toffler

به صورت مختلف از سوی افراد مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ اما اینکه چرا در دهه‌های اخیر این اندیشه بارزتر و حتی بعضاً وجه رادیکالی به خود گرفته است را باید در بحران‌هایی جستجو کرد که مریدان اخیر بازسازی گرا از آن به عنوان «تهدید زندگی جوامع بشری» یاد می‌کنند. افزایش تروریسم دولتی و شبه دولتی، جنگ‌های نیابتی، افزایش رادیکالیسم در جوامع مختلف و موضوع تبعیض‌های نژادی، مذهبی از جمله مواردی است که به عنوان تهدید زندگی جوامع بشری یاد شده و بازسازی اجتماعی درصدد اصلاح رویه‌های نامیمون یاد شده است.

### سؤال دوم پژوهش:

برنامه درسی بازسازی اجتماعی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

تمامی مکاتب و دیدگاه‌های فلسفی خواه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم برای تعلیم و تربیت، به ویژه برای بخش مهم آن؛ «برنامه درسی»، دلالت‌هایی ارائه کرده‌اند. در خصوص دیدگاه بازسازی اجتماعی این امر برجسته‌تر است؛ زیرا مخاطب دیدگاه بازسازی در وهله اول دانش آموزان و معلمان هستند. شاید بدین جهت است که دلالت‌های این دیدگاه، پرنفوذتر و جدی‌تر از سایر مکاتب فلسفی است. با جستاری در خصوص گزاره‌های مکتب بازسازی اجتماعی، دلالت‌های برنامه درسی این دیدگاه را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

### الف) برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی در این دیدگاه، امر مستمری است که مدام در پرتو نیازهای متحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دست بازسازی است. برنامه درسی در این دیدگاه از قبل قصد شده و طرح‌ریزی شده نیست. بلکه بر اساس موضوعات و مسائل مختلف جامعه، متغیر خواهد بود. تأکید آن بر برنامه درسی و روش‌های تحقیق علوم اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی تمرکز بر برنامه‌های حال و آینده، توجه به مسائل ملی و بین‌المللی، توجه به فناوری به جهت توانایی آن در حل مسائل جامعه است گوتک (۱۳۸۴). برنامه درسی، ایده‌آل‌های دموکراتیک را انعکاس می‌دهد و بر آموزش شهروندی با تأکید بر کسب تجارب دست‌اول در مطالعه مسائل اجتماعی واقعی و مسائل بحث‌برانگیز جامعه تأکید می‌کند. گارتر (۱۹۸۹) تأکید می‌کند برنامه درسی به جد باید در جست‌وجوی «مؤلفه‌های بین‌المللی» در برنامه‌های درسی ملی باشد. به بیان بهتر، برنامه درسی بازسازی گرا در عین توجه به یک برنامه بومی و ملی، برنامه درسی بین‌المللی را مورد توجه قرار می‌دهد که گاهی برنامه درسی جهانی یا «برنامه درسی مشترک جهانی» نیز نامیده می‌شود (ارنشتاین و هانکینز، ۱۳۸۴).

### ب) اهداف برنامه درسی

هدف اساسی تعلیم و تربیت در بازسازی گرای اجتماعی تغییر، اصلاح و بازسازی اجتماعی جامعه است. بررسی انتقادی تمامی نهادهای فرهنگی، سیاسی و آموزشی در جهت اصلاح و تغییر آن‌ها به‌عنوان یک نیاز مداوم قلمداد می‌شود. اهداف در این دیدگاه، از قبل تعیین شده نیستند. اهداف متکثرند و بر اساس مسائلی که در جامعه روی می‌دهد برای کلاس و مدرسه قابل تعریف می‌باشند (Ravitch, 2011).

### ج) روش‌های آموزش و تدریس

این دیدگاه در خصوص روش‌های آموزش، مسائل اجتماعی خارج از مدرسه را بخشی از اوضاعی می‌داند که فعالیت‌های درون مدرسه را تعیین می‌کند. روش‌های تدریس مبتنی بر مسئله محور را تأکید کرده و به مشکلات اجتماعی به دید مسئله می‌نگرد (ملکی، ۱۳۸۴). دانش‌آموز باید اقداماتی انجام دهد تا بتواند در مقام عمل تغییراتی در جامعه ایجاد نماید. در کلاس‌های متنوع فرهنگی و نژادی باید گروه‌بندی‌ها به شیوه غیر طبقه‌ای سازمان‌دهی شده و در

سرتاسر کلاس جو تجزیه و تحلیل، نقد و پژوهشگری حاکم باشد. در این دیدگاه روش‌های حل تعارض و تفاوت دیدگاه‌ها تشویق می‌شود. به‌طور مشخص این دیدگاه فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، حل مسئله، تفکر انتقادی، تحلیل گفتمان، تمرکز بر فعالیت‌های یادگیری بیرون از مدرسه، تحلیل مسائل ملی و جهانی را ترجیح می‌دهد.

#### د) نقش معلم

معلم در این دیدگاه، کنشگر و اصلاح‌گر اجتماعی - سیاسی است، عامل تغییر است. معلم به‌عنوان راهنمای پژوهش به دانش‌آموزان یاری می‌رساند تا از مسائل اساسی بشر آگاه شده و درصدد حل آن‌ها برآیند. وی باید در تجدید مداوم زندگی حرفه‌ای خود اهتمام ورزد. همواره شرایط کاری خود را مورد ارزشیابی قرار داده و نقش آموزشی خود را به خارج از کلاس گسترش دهد. یک معلم می‌داند که چگونه جامعه خود را بازسازی کرده و نیز به این بازسازی مداومت ببخشد. معلمان در این دیدگاه پیشگامان نظم نوین اجتماعی محسوب می‌شوند (Freire, 1998, Sonia, 2010).

#### ه) نقش دانش‌آموز

نقش دانش‌آموز در این دیدگاه، محوری است. او عنصر مهم در ایجاد تغییرات اجتماعی است. در این دیدگاه دانش‌آموزان باید توانمندی‌های لازم برای نقد شرایط موجود جامعه را دارا بوده و در صورت ضرورت دست به اقدام عملی اصلاحی بزنند. دانش‌آموزان باید مسائل مبتلابه جامعه، همچون جایگاه اخلاق در بهبود کیفیت زندگی، حفظ منابع طبیعی و مسائل ملی و بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده و آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنند.

### و) روش‌های ارزشیابی

روش‌های ارزشیابی در این دیدگاه مشابه روش‌های معمول و سنتی نیست. اولاً از روش‌های مرسوم عینی استفاده نمی‌کند، بلکه اساساً ارزشیابی آن‌ها فکری و ذهنی است. به‌عنوان مثال دانش‌آموز باید توانایی مقابله با بحران‌ها در وضعیت خاص زمانی و مکانی را داشته باشد و بتواند در وضعیت ایجادشده تغییراتی ایجاد کند. ثانیاً ارزشیابی‌ها از نوع فرایندی است نه تراکمی، به‌نحوی که در طول آموزش و به‌ویژه در بحث‌های گروهی، معلمان از دانش‌آموزان می‌خواهند به تجزیه و تحلیل مباحث پرداخته و به روشنگری بیشتر آن مبادرت ورزند. هدف از ارزشیابی، بازسازی خود در جهت کمک به بازسازی جامعه هست.

### ه) مدرسه ایده‌آل بازسازی اجتماعی

مدرسه آزمایشگاه اجتماعی تلقی می‌شود که دانش‌آموزان از طریق آن می‌توانند قابلیت لازم در جهت بازسازی و ایجاد تحولات اجتماعی جهت‌دار را دارا باشند؛ بنابراین مهارت‌ها و روش‌هایی را توصیه می‌کنند که بر یادگیری فعال استوار است. مدرسه ایده‌آل این رویکرد به کارگیری مدارس طراح است. مدرسه طراح برخلاف مدرسه طرح‌ریزی شده، مدرسه‌ای است که در جهت اصلاح امور جامعه طرح‌ریزی می‌کند. ویژگی اصلی مدارس طراح و طرح‌ریزی شده در جدول شماره (یک) آمده است.

جدول یک: ویژگی‌های مدارس طراح و طرح‌ریزی شده

مدرسه طراح	مدرسه طرح‌ریزی شده
مدرسه همواره مشکلات جامعه را رصد نموده و درصدد اصلاح آن‌هاست.	مدرسه پیرو جامعه است. مدرسه نقش‌های موجود جامعه را پذیرش و باز تولید می‌کند.



## سؤال سوم پژوهش:

صاحب‌نظران غربی چه نقدی برای این نظریه وارد کرده‌اند؟

برخی از صاحب‌نظران اشکالات جدی به این نظریه وارد کرده‌اند. در این میان، زوگا، این مکتب را سطحی و بی‌ثبات تعبیر می‌کند که نقش برنامه درسی در آن عملاً مشخص نیست. بدین جهت ایشان از اصطلاح «نهضت بازگشت به پایه‌ها»<sup>۱</sup> استفاده کرده است (زوگا، ۱۹۹۲). این اصطلاح پس از ارسال سفینه اسپوتنیک به فضا، برای دومین بار به کار گرفته شده است و به‌زعم نگارنده «زوگا» با این بیان خواسته است اهمیت موضوع را بدین‌صورت روشن سازد. برخی دیگر آن را مبتنی بر اندیشه‌های آرمان‌شهری می‌دانند که راهکار مشخصی برای اصلاح جامعه ارائه نمی‌کند و معتقدند این دیدگاه قبل از آن که به برنامه درسی بپردازد به حواشی برنامه درسی می‌پردازد و با توجه به سیستم خاص آموزش و پرورش موجود، امکان فعالیت چنین اندیشه‌ای موفقیت‌آمیز نخواهد بود؛ زیرا معتقدند رویکرد سنتی آموزش و پرورش با کلاس‌های درس بازسازی‌گرایی اجتماعی تناسب ندارد. نحوه تدریس، ارزشیابی‌ها، آزمون‌ها، برنامه درسی، از الگوی خاصی پیروی می‌کنند که تناسب چندانی با اصول بازسازی‌گرایی اجتماعی ندارد (Slattery, 2008). راولیچ<sup>۲</sup> معتقد است این نظریه علاوه بر این که بسیار سیاسی است، در بطن آن نوعی بی‌طرفی نیز وجود دارد؛ که این بی‌طرفی برای آموزش و پرورش، می‌تواند خطرناک باشد. همچنین با توجه به این که زمان حضور کودک در مدرسه محدود است و آموزش‌های مربوط به بازسازی اجتماعی معمولاً زمان‌بر و خارج از آستانه تحمل کودک هست، نوعی دلسردی برای کودک فراهم می‌آورد. زوگا اذعان می‌دارد که مشخص نیست چه چیزی قرار است به دانش‌آموز یاد داده شود تا وی را برای آینده آماده سازد (زوگا، ۱۹۹۲). نکته دیگر خوش‌بینی بیش‌ازحد این دیدگاه به توان دانش‌آموزان و معلمان در اجرای اساسی

1 - Back to basic

2- Diane Ravitch

در جامعه است. به طوری که در توانایی‌های دانش آموزان و معلمان غلو می‌کند در حالی که باید به این موضوع توجه داشت که معلم و دانش آموز بر اساس سیاست حاکم بر نظام آموزشی قادر است مانور تغییر داشته باشد.

علاوه بر این موارد، موارد دیگری همچون؛ تند و عاطفی بودن، پرداختن بیش از حد به آینده و فراموشی زمان حال، بی‌توجهی به فرهنگ، تندروی و بی‌احتیاطی پیشگامان آن، سیاسی کردن بیش از حد مدرسه، نفی قدرت سنت، دامن زدن به بی‌ثباتی اجتماعی، تبدیل مدرسه به آزمایشگاهی اجتماعی برای آزمایش نظریه‌های اجتماعی، القای این تفکر که تغییر دادن هویت افراد و نیز تغییر فرهنگ آسان است؛ از جمله مواردی است که به‌عنوان اشکالات برنامه درسی بازسازی اجتماعی یاد شده است.

#### سؤال چهارم:

تا چه اندازه امکان طراحی برنامه درسی بر اساس ویژگی‌های برنامه درسی بازسازی اجتماعی برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟

با بررسی دیدگاه بازسازی اجتماعی، گزاره‌های زیر به‌وفور در آثار پیشگامان آن قابل مشاهده است؛ تأکید بر «ایجاد تغییرات بنیادین»، «اصلاح و بازسازی جامعه»، «توجه به فناوری‌های جدید»، «توجه به فرهنگ‌های محلی در عین توجه به یک برنامه درسی بین‌المللی و جهانی»، «نقش ویژه معلم»، «توجه به فرصت‌های برابر آموزشی برای همگان به‌ویژه ملل فقزرده و سرکوب شده»، «توجه به تنوع فرهنگی» و «تربیت اجتماعی».

برای امکان‌سنجی طراحی برنامه درسی مبتنی بر بازسازی گرایی، ابتدا شایسته است این گزاره‌ها از نظر اسناد بالادستی و قانونی کشور مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته تا بتوان بر اساس این رویکرد برنامه درسی بومی شده تری ارائه نمود. برای این منظور دو سند مهم آموزش

و پرورش کشور ملاک عمل قرار گرفته است. «فلسفه تربیت» و «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران». اسنادی که هم در مراجع قانونی به تائید نهایی رسیده و هم وجه دینی و بومی آن غیر قابل انکار است.

در این بخش به تحلیل گزاره‌های اصلی دیدگاه بازسازی اجتماعی بر اساس ملاک‌های مستخرج از این دو سند می‌پردازیم:

### ۱- ایجاد تغییرات بنیادین، اصلاح و بازسازی جامعه

یکی از گزاره‌های پرتکرار برنامه درسی بازسازی اجتماعی توجه به تغییر و بازسازی جامعه هست. با بررسی هر دو سند «فلسفه تربیت» و «برنامه درسی ملی» رویکرد تحولی عمیق در میان آن‌ها قابل مشاهده است. به عنوان نمونه در بخش مقدماتی فلسفه تربیت چنین آمده است: «نظام نوین تربیت در کشور ما طی مراحل بنیان‌گذاری، توسعه و حتی تلاش برای ایجاد تحول بنیادی در آن، تاکنون بر مبانی مشخص، مدون و ... استوار نبوده است» (فلسفه تربیت، ۱۳۸۸: ۵). همچنین در «سند برنامه درسی ملی» نیز «تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تحولی عمیق و ریشه‌ای توصیف شده است که به تحول در مفاهیم نظری، روندها و فرایندها، نقش‌ها و کارکردها و رویکردها منجر خواهد شد». «دگرگونی و حرکت مداوم جهان» و «حرکت و دگرگونی انسان» مؤلفه‌هایی است که به ترتیب در بندهای ۱-۱-۸ و ۱-۲-۷ سند برنامه درسی ملی بدان اشاره شده است. در مجموع می‌توان گفت که روح حاکم بر هر دو سند مزبور از نوع تحول بنیادین بوده است، آنچه بازسازی اجتماعی نیز بدان تأکید دارد.

## ۲- توجه به فناوری‌های جدید

درک و اصلاح موقعیت خود از طریق شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج متراکم بشری در حوزه علم و فناوری، برنامه‌ریزی و اجرا برای دستیابی به آینده مطلوب (فلسفه تربیت، ۹۷: ۱۳۸۷).

## ۳- توجه به فرهنگ‌های بومی در عین توجه به برنامه‌های درسی جهانی

بند ۳-۶ سند برنامه درسی ملی، برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی در کلیه ساحت‌های تعلیم و تربیت تأکید می‌کند (همان؛ ۱۱).

## ۴- توجه ویژه به نقش منحصر به فرد معلم

بند ۳-۴ سند برنامه درسی ملی یادآور می‌شود «برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و تربیت‌پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید» (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۰).

## ۵- توجه به فرصت‌های برابر آموزشی

در بند ۳-۱۱ سند برنامه درسی ملی آمده است؛ «برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان با رعایت همه نیازها و استعداد آن‌ها طراحی و تدوین شود» (همان، ۱۲).

## ۶- کثرت در وحدت (توجه به تنوع و تکثر)

در بند ۱-۱-۶ فلسفه تربیت آمده است؛ «در جهان هستی به‌عنوان یک حقیقت واحد از طریق کمال و نقص یا شدت و ضعف مراتب هستی تمایز حاصل می‌شود و کثرت به وجود می‌آید... بدین گونه حقایق وجودی و واقعیات خارجی متکثر و گوناگونی حاصل شده است». همچنین در بند ۱-۲-۲۱ آمده است «تفاوت‌های طبیعی (نژادی، قومی، جنسی، وراثتی و ...) به‌خودی‌خود معیار برتری نیست». نیز در بند ۱-۲-۲۲ آمده است «افراد انسانی علاوه بر طبیعت مشترک دارای خصوصیات متفاوت هستند». آنچه دیدگاه بازسازی‌گرایی نیز بدان تأکید می‌کند قبول واقعیت تکثر و تنوع قومی و فرهنگی در جامعه و بها دادن نظام آموزشی به آن‌هاست. بند ۴-۴-۹ نیز در اصول تربیت به این مهم می‌پردازد. در سند برنامه درسی ملی در بند ۸-۳ توجه به تفاوت‌ها تأکید می‌کند که برنامه‌های درسی ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک باید به «تفاوت‌های ناشی از محیط، جنسیت، فرهنگ و استعدادها» توجه نماید.

## ۷- تربیت اجتماعی

در بندهای ۱-۲-۱۰ و ۱-۲-۱۱ و ۱-۲-۱۵ سند برنامه درسی ملی به اجتماعی بودن زندگی انسان اشاره شده و این که شخصیت وزندگی او تا حدی هم متأثر و تأثیرگذار شرایط اجتماعی است.

علاوه بر موارد یادشده با بررسی محتوایی این اسناد به مفاهیمی برخورد می‌کنیم که با مؤلفه‌های اساسی برنامه درسی بازسازی اجتماعی قرابت نزدیکی دارد. به‌عنوان نمونه «موضوع کرامت و آزادی انسان» در بندهای (۱-۲-۴، ۴-۴-۷، ۱-۲-۵ و ۴-۴-۶) سند برنامه درسی ملی نمایان است. «انسان به‌منزله عامل تحول» به‌عنوان یکی دیگر از تأکیدات برنامه درسی بازسازی‌گرایی است که این مفهوم در بندهای؛ (۱-۲-۷، ۱-۲-۱۱ و ۱-۲-۱۵) فلسفه تربیت منعکس

گشته است. توانایی تأثیرگذاری انسان بر اجتماع (بند ۱-۲-۱۰) و عدالت تربیتی (بندهای ۱-۴-۴-۵ و ۴-۴-۸) مواردی هستند که در اسناد بالادستی موردبررسی آمده است و دیدگاه بازسازی‌گرایی اجتماعی نیز بدان تأکید دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

از جمله انتقادات مطروحه که از سوی مربیان غربی مطرح شده است، استقرار سیستم خاص آموزش و پرورش و عدم تطابق این رویه و نیز عدم موفقیت‌آمیز بودن چنین اندیشه‌ای در مقام عمل هست؛ زیرا امروزه نحوه تدریس، ارزشیابی‌ها، آزمون‌ها، برنامه درسی، از الگوی خاصی پیروی می‌کنند که تناسب چندانی با اصول بازسازی‌گرایی اجتماعی ندارد (Ravich, 2011). برنامه‌های درسی بازسازی‌گرا به شدت غیرمتمرکز است و هر جلسه از کلاس درس بر اساس مسائلی که در جامعه رخ می‌دهد، موجودیت پیدا می‌کند. با این اوصاف این وضعیت در سطح اولی در ایران هم قابل طرح نیست؛ زیرا اولاً برنامه‌های درسی ایران از قبل قصد شده است (متمرکز است). ثانیاً به نظر می‌رسد امروزه هیچ‌کدام از عناصر برنامه درسی (مدرسه، معلم، دانش‌آموزان و خانواده‌ها) پذیرش اجرای چنین برنامه‌هایی را ندارند.

انتقاد دیگری که بدان وارد شده است، سطحی و بی‌ثبات بودن آن است که نقش برنامه درسی نیز در آن خیلی مشخص نیست. برخی به جهت این که این دیدگاه راهکارهای عملی روشن در خصوص تغییر و بازسازی جامعه ارائه نمی‌کند آن را به ذهن‌گرایی<sup>۱</sup> متهم می‌کنند. به نظر می‌رسد این انتقاد می‌تواند از سوی نظام آموزشی ایران نیز مطرح باشد؛ زیرا همواره یکی از وظایف و کارکردهای برنامه‌های درسی در هر نظام آموزشی، آموزش مفاهیم اساسی است. توجه به یک سری از مباحث جاری جامعه در مقام عمل، پرداختن به مباحث اساسی و ذاتی را از برنامه درسی سلب خواهد کرد.

نقد دیگر شدت سیاسی بودن این نظریه هست. همواره برنامه‌های درسی یک «سند سیاسی» تلقی می‌شوند، اما این امر به معنی پرداختن مدارس به مسائل سیاسی رایج کشور نیست. چنانچه رابویچ (۲۰۱۱) نیز خاطر نشان می‌سازد ممکن است اجرای چنین برنامه‌هایی با مقاومت اغلب معلمان مواجه شود. از سوی دیگر والدین نیز از مدرسه انتظار کسب معلومات برای فرزندان خود دارند نه طرح مباحث سیاسی زودگذر، بدین جهت به نظر می‌رسد والدین در ایران نیز نسبت به چنین دیدگاهی روی خوش نشان نخواهند داد.

نقد دیگری که گاستین و پترسون (۲۰۰۵) مطرح نموده‌اند، این است که علیرغم دعوت این نظریه به تغییر، نوعی بی‌طرفی در بطن آن وجود دارد که این بی‌طرفی برای آموزش و پرورش می‌تواند خطرناک باشد. این نقد از سوی نظام آموزشی کشور ما نیز می‌تواند مطرح گردد؛ زیرا ماهیت آموزش و پرورش با بی‌طرفی ناسازگار است و سردرگمی موجود در برنامه‌های درسی بازسازی اجتماعی در تناقض با نظام آموزشی ماست که برای تمامی مراحل و سطوح آموزشی هدف گذاری نموده است.

نقدهای دیگر از جمله زمان‌بر بودن، خارج از آستانه تحمل کودک بودن، خوش‌بینی بیش از حد این دیدگاه به توان دانش‌آموزان و معلمان در اجرای تغییرات اساسی در جامعه، تند و عاطفی بودن، پرداختن بیش از حد به آینده و فراموشی زمان حال، بی‌توجهی به فرهنگ، نفی قدرت سنت، دامن زدن به بی‌ثباتی اجتماعی، تبدیل مدرسه به آزمایشگاهی اجتماعی برای آزمایش نظریه‌های اجتماعی، القای این تفکر که تغییر دادن هویت افراد و نیز تغییر فرهنگ آسان است، از جمله اشکالات برنامه درسی بازسازی اجتماعی است که تک‌تک این انتقادات می‌تواند از سوی نظام آموزشی ایران نیز قابل توجه باشد.

نقدهای دیگر ناظر بر نتایج تحلیل دیدگاه بازسازی اجتماعی از منظر اسناد بالادستی کشور هست. در این میان بایستی به چند نکته مهم در این زمینه توجه نمود که در اسناد بالادستی

آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بدان‌ها تأکید شده اما دیدگاه بازسازی‌گرایی اجتماعی در مورد آن‌ها سکوت کرده است. بند (۱-۲-۱۹) فلسفه تربیت بر نقش «سنت‌های الهی و حاکمیت آن بر انسان» توجه دارد درحالی‌که در دیدگاه بازسازی‌گرایی نقش سنت، به‌ویژه نقش «سنت‌های الهی» نادیده گرفته شده است. دربند (۱-۴-۱۹) «توازن و عدالت» در تربیت مورد تأکید بوده است اما دیدگاه بازسازی‌گرایی تا حدود زیادی یک دیدگاه رادیکال محسوب می‌شود که ایجاد تغییرات بنیادین را به هر شکل ممکن تجویز می‌نماید.

همچنین یکی دیگر از افتراق‌های دیدگاه بازسازی اجتماعی با اسناد بالادستی کشور را، باید در نگاه دین‌مدارانه برنامه‌دستی ایران جستجو نمود. چنان‌که دربندهای (۴-۴-۱ و ۴-۴-۲) فلسفه تربیت و نیز در سند برنامه‌دستی ملی از آن با عنوان، «فطرت‌گرایی توحیدی» یاد شده است (برنامه‌دستی ملی، ۱۳۹۱: ۱۲). موضوع دیگر توجه به اصل «تعادل» است که دربند (۸-۳) «سند برنامه‌دستی ملی» بدان تأکید شده است؛ «برنامه‌های درسی و تربیتی باید با رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن پایند باشد» (سند برنامه‌دستی ملی، ۱۳۹۱: ۱۱). به نظر می‌رسد با توجه به آنچه گفته شد برنامه‌دستی بازسازی‌گرایی اساساً یک دیدگاه افراطی است و کمتر به اصل تعادل در تربیت توجه کرده است.

علی‌رغم نقدهای جدی که در همین نوشته به برنامه‌دستی بازسازی اجتماعی وارد شده است، اما باید به این نکته نیز اذعان داشت که این به معنی عدم کارایی تمام و کمال این دیدگاه نیست. هر دیدگاه به‌نوبه خود دارای مجموعه‌ای از گزاره‌ها و آموزه‌هایی است که می‌تواند برای برنامه‌های درسی نظام‌های دیگر نیز قابل استفاده باشد. بی‌شک دیدگاه بازسازی اجتماعی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ اما اهمیت موضوع در گزینش گزاره‌های آن دیدگاه و نیز عملیاتی کردن آن‌ها در برنامه‌دستی نظام آموزشی مقصد، بر اساس دلایل و منطق مستحکم علمی است. این امر در مورد برنامه‌دستی ایران نیز صادق است. برنامه‌دستی بازسازی اجتماعی همچون سایر دیدگاه‌ها دارای آموزه‌هایی است که با رعایت اصول مقبول (آنچه در



این نوشته هم بدان‌ها اشاره شد) می‌تواند برای استفاده در طراحی برنامه‌های درسی ایران مورد توجه قرار گیرد. به‌ویژه گزاره‌هایی که مطابق با اسناد بالادستی کشور نیز است. به نظر می‌رسد توجه به گزاره‌هایی همچون؛ «اصلاح و بازسازی جامعه»، «توجه به فناوری‌های جدید»، «توجه به فرهنگ بومی در عین توجه به یک برنامه درسی بین‌المللی و جهانی»، «اهمیت قائل شدن به نقش ویژه معلم»، «توجه به فرصت‌های برابر آموزشی برای همگان به‌ویژه افراد ضعیف»، «توجه به ذخایر و تنوع فرهنگی» و «تربیت اجتماعی» آنچه اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور نیز بدان‌ها تأکید کرده است، می‌تواند تحولات شگرفی را در برنامه‌های درسی ایران به وجود آورد.

## منابع

- ارنشتاین، الن سی، هانکینز، فرانسیس پی. *مبانی اصول و مسائل برنامه درسی*، ترجمه قدسی احقر. (۱۳۸۴)، چاپ اول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). *سند برنامه درسی ملی*.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۸۸). *سند فلسفه تربیت رسمی و عمومی*.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۷). *فلسفه آموزش و پرورش*، امیرکبیر.
- شورت، ادموند سی. *روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی*، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران. (۱۳۸۷). *نشر مشترک پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و سمت*.
- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۴). *اصول برنامه‌ریزی درسی*، چاپ سوم: ایران‌زمین.
- قادری، مصطفی. (۱۳۸۹). *نظریه انتقادی تعلیم و تربیت؛ نقد برنامه درسی مدرنیته و سرمایه‌داری متأخر*، یادواره کتاب.

گوتک، ال. جرال. مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه: محمدجعفر پاک‌سرشت. (۱۳۸۴)، چاپ چهارم، تهران: سمت.

ملکی، حسن. (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی درسی راهنمای عمل. چاپ هشتم، مشهد: نشر پیام اندیشه.

میلر، جی. پی. نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی. (۱۳۷۹)، تهران: سمت.

*Giroux, H.A (2002). Democracy, freedom and justice after 11th: rethinking the role of educators and the politics of schooling. Teachers college record*

*Irzik, Gurol (2001). Back to Basics: A Philosophical Critique of Constructivism, Philosophy Department, Boğaziçi University, Istanbul, Turkey*

*Slattery, P (2008). Curriculum development in the postmodern era. Third edition. London, UK: Rutledge*

*Sonia E. Murrow (2010). Depicting teaching teacher's roles in school. School of Education, Brooklyn College, City University of New York*

*Zuga F. Karen (1992). Social Reconstruction Curriculum and Technology Education, Journal of Technology Education Vol. 3 No. 2, spring*

*Freire, P (1998). Teacher as cultural workers: letters to Those who Dare Teach, Press Boulder Co.*

*Ravitch, D (2011). The Death and Life of the Great American School System: How Testing and Choice Are Undermining Education, published by basic books*